

رانندگی پرخطر: مدل تعاملی نقش نظارت والدینی و همنشینی با همسالان منحرف در نوجوانان خانواده‌های نظامی

Risky driving an interactional model including parental monitoring and affiliation With deviant peers among military families' adolescents

جواد خدادادی سنگده*، خدابخش احمدی**، علی محمد نظری***

Abstract

Introduction: Adolescence is considered as an important phase for beginning high risk behaviors. The current study aims to investigate parental monitoring role and affiliation with deviant peers in risky driving among military families' adolescents.

Method: The design of the current study involves correlation using structural equation modeling. The population of the current study involves all male and female military families' adolescents in which 457 were selected through cluster sampling. To collect the data, different scales such as Iran's adolescent risk-taking scales, parental monitoring scales and affiliation with delinquent peers were used. The data were analyzed using correlation statistical indices, independent T and structural equation modeling through SPSS and LISREL.

Results: The obtained results showed that parental monitoring through affiliation with delinquent peers had a significant effect on risky driving. The mediating model can explain 0.12 variance.

Discussion: It's highly influential to pay attention to the parental monitoring role in decreasing affiliation with delinquent peers as well as decreasing the risky driving by adolescents. Therefore, prevention efforts aimed at reducing risky driving should be composed of these factors.

Key words: Risky driving, Parental monitoring, Affiliation with peers, Adolescent

چکیده

مقدمه: نوجوانی مرحله حساسی برای شروع رفتار پرخطر محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش نظارت والدینی و همنشینی با همسالان منحرف در رانندگی پرخطر نوجوانان خانواده نظامی صورت گرفته است.

روش: طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی با استفاده از روش الگویابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش متشکل از کلیه نوجوانان دختر و پسر خانواده نظامی شهر تهران بود که ۴۵۷ نفر از آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از مقیاس‌های خطرپذیری نوجوانان ایرانی، نظارت والدینی و همنشینی با همسالان منحرف استفاده شد. داده‌ها با استفاده از شاخص‌های آماری همبستگی، T مستقل و مدل‌سازی معادلات ساختاری، به کمک نرم افزارهای SPSS ۱۸ و LISREL ۸/۵۰، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نظارت والدینی از طریق همنشینی با همسالان دارای تاثیر معنی‌داری بر رانندگی مخاطره آمیز می‌باشد و مدل واسطه‌ای ارائه شده قادر است ۱۲ درصد از واریانس این رفتار را تبیین کند.

بحث: توجه جدی به نقش نظارت والدینی در کاهش همنشینی با همسالان منحرف و به دنبال آن کاهش احتمال خطرپذیری رانندگی از سوی نوجوانان از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین در برنامه‌های پیشگیرانه لازم است جهت کاهش این رفتار، عوامل مذکور مدنظر قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: رانندگی پرخطر، نظارت والدینی، همنشینی با همسالان، نوجوان

مقدمه

رانندگی رفتاری اجتماعی است که گستره وسیعی از کنش‌های شناختی و هیجانی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد (شاکری نیا و محمد پور، ۱۳۸۸). در عصر کنونی افزایش حوادث و پیامدهای ناشی از تصادفات رانندگی تبدیل به مساله اساسی و قابل توجه در حوزه‌های مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی شده است (بندر و همکاران^۱، ۲۰۰۴). بر اساس مطالعات حاضر به طور متوسط در هر پنج ثانیه یک مرگ ناشی از حوادث رانندگی اتفاق می‌افتد و برآورد می‌شود در دهه اخیر حوادث رانندگی سومین علت مرگ و میر در دنیا را به خود اختصاص دهد (موری و لاپز^۲، ۱۹۹۷).

در ایران هر ساله بیش از دویست هزار تصادف منجر به فوت، در کشور رخ می‌دهد (مهماندار، ۱۳۸۸) میزان تلفات ناشی از حوادث رانندگی ۱۵ برابر کشورهای پیشرفته است و این عامل اصلی ترین علت فوت در جمعیت زیر ۴۰ سال کشور می‌باشد؛ شاخص تعداد کشته شدگان به ازای هر ده هزار وسیله نقلیه ۲۹ نفر و این شاخص در کشورهای توسعه یافته بین ۱ تا ۲/۵ بوده است (عریضی، ۱۳۸۸). طبق مطالعات موجود در ۷۱ درصد تصادفات عامل انسانی، ۱۸ درصد نقص فنی و ۱۱ درصد مهندسی ترافیک اثرگذار بوده است (سوری، ۱۳۸۷). این شواهد دلالت بر وجود الگوی رانندگی پرخطر در کشور است که بررسی عوامل زیربنایی روانشناختی آن حائز اهمیت است.

رانندگی، دربرگیرنده رفتارهای مثبت و سالم و در عین حال منفی و خطرناک است. رانندگی پرخطر به رانندگی اطلاق می‌شود که در آن فرد رفتارهایی از قبیل عدم رعایت قوانین، علاقه به مسابقه دادن، عبور از چراغ قرمز، نیستن کمربند ایمنی، سبقت‌های متوالی، لذت بردن از سرعت بالا و انجام حرکات نمایشی و جلب کننده را انجام می‌دهد (زاده محمدی و همکاران، ۱۳۹۰). در گذشته

رانندگی پرخطر بزرگسالان را شامل می‌شد اما امروزه درصد قابل توجهی از نوجوانان نیز به انجام چنین تجربه خطرناکی رو می‌آورند (آلوارز^۳ و همکاران، ۲۰۰۷). از آنجایی که نوجوانان از مهارت‌های رانندگی لازم و مهارت‌های محافظت از خود در مقابل خطرات کمتر برخوردارند، بیشتر از سایر افراد در معرض خطرات ناشی از تصادف‌های رانندگی قرار دارند (دولز^۴ و همکاران، ۲۰۱۰).

سبک رانندگی فرد از سبک زندگی او تاثیر می‌پذیرد، کسانی که سبک زندگی پرخطری دارند رانندگی پرخطر بیشتری را نشان می‌دهند (شارع پور و همکاران، ۱۳۸۹). سبک زندگی مخاطره آمیز به وضوح در مرحله نوجوانی به چشم می‌خورد، مرحله‌ای که با تغییرات جسمانی، روانشناختی و اجتماعی گسترده همراه است و به دلیل عدم درک صحیح نوجوان از رفتارهای خود، مرحله مهمی برای شروع رفتارهای هیجانی و پرخطری همچون رانندگی مخاطره آمیز محسوب می‌شود (چوی و ریان^۵، ۲۰۰۷؛ بویر^۶، ۲۰۰۶). رفتارهای هیجان خواهی مخاطره آمیز یکی از ویژگی‌هایی است که در رانندگی به تفصیل مورد مطالعه قرار گرفته و به عنوان نیاز به تنوع جویی و تمایل به خطرپذیری به منظور کسب تجربه تعریف می‌شود (جوناه^۷، ۲۰۰۱).

عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و خانوادگی، نقش بسیار چشمگیر، در آسیب‌های مرتبط با انواع رفتارهای پرخطر در نوجوانی را ایفا می‌کنند. مطالعات علوم رفتاری، در یادگیری رفتارهای اجتماعی مطلوب و نامطلوب بر نقش منابع اصلی نظیر خانواده و همسالان تاکید دارند (دی کلمنته^۸ و همکاران، ۲۰۰۱). امروزه این مساله روشن است که عوامل مرتبط با خانواده، قوی‌ترین تاثیر را بر بروز این قبیل رفتارها در نوجوانان بر جای

3- Alvarez.

4- Dols.

5- Choi & Ryan.

6- Boyer.

7- Jonah.

8- Diclemente et al.

1- Bener.

2- Murray & Lapez.

نوجوانانی که با همسالانی ارتباط دارند که به انجام رانندگی نمایشی و پرخطر تمایل دارند، به احتمال بیشتری الگوهای رفتارهای، هیجانی و نگرش‌های مثبت آنان را نسبت به این رفتار می‌پذیرند (زیرمن^۸، ۲۰۰۶). این یافته‌ها از نقش نظریه یادگیری اجتماعی در مسائل رفتاری نوجوانان حمایت می‌کند (تورنت و وازسونی^۹، ۲۰۰۸). نظریه رفتار مشکل در حوزه رفتارهای نابهنجار نوجوانان، به این نکته پرداخته است که، همنشینی با همسالان بزهکار رابطه بین چگونگی مراقبت و نظارت والدینی و رفتار نابهنجار را تعدیل می‌کند (پاسکال^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۳). در عین حال این مسئله مطرح است که ارتباط عواملی مانند نظارت والدین و همنشینی با همسالان منحرف بر بروز رفتار مخاطره آمیزی مانند رانندگی پرخطر چگونه است.

با توجه به اینکه دوره نوجوانی از مراحل مهم و تاثیرگذار در ساخت و پایه ریزی شخصیت فرد محسوب می‌شود؛ برخی از الگوهای رفتاری ایجاد شده در این برهه، در دوره‌های بعدی زندگی خود را به صورت ویژگی‌های پایدار نشان می‌دهد (آسبریدگ^{۱۱}، ۲۰۰۶ و بیابانگرد، ۱۳۸۴).

وضعیت نامطلوب رانندگی موجود در کشور، تلفات و آسیب‌های جبران ناپذیر ناشی از حوادث آن و هزینه‌های بالای آموزش و فرهنگ‌سازی جهت ایجاد الگوی رانندگی صحیح و بی خطر در بزرگسالان ایجاب می‌کند که از ابتدا توجه ای ویژه، به نقش عوامل موثر مانند نظارت والدینی و همنشینی با همسالان در شکل گیری و بروز انواع رفتارهای پرخطر همچون رانندگی مخاطره آمیز در نوجوانان شود. این امر به ویژه در مورد نوجوانان خانواده‌های نظامی، که طبقه خاص و مهمی از جامعه را تشکیل می‌دهند و به عنوان یکی از نهادهای تاثیرگذار در بسترسازی امنیت و سلامت جامعه تلقی می‌شوند، از

می‌گذارند. در بین عوامل خانوادگی، نظارت والدین و در عوامل اجتماعی، همسالان، به‌عنوان عوامل عمده گرایش نوجوان به سمت رفتارهای مخاطره آمیز شناخته شده است (هان و همکاران^۱، ۲۰۱۲). نظارت والدینی را می‌توان آگاهی والدین از اینکه نوجوان‌شان در زمان‌هایی که با او نیستند، کجا به سر می‌برد، با چه کسانی هست و اوقاتش را چگونه سپری می‌کند، تعریف کرد (سینگر و همکاران^۲، همکاران^۲، ۲۰۰۴). بین نظارت‌های والدین و کاهش مشکلات بیرونی نوجوانان رابطه مستقیمی وجود دارد؛ در واقع سطح نظارت والدین، یک عامل حفاظتی مهم برای مشکلات رفتاری بیرونی نوجوانان به شمار می‌رود. نظارت بیشتر والدین بر رفت و آمدهای فرزندان‌شان، با عدم تخلفات و رفتارهای پرخطر کمتر، رابطه دارد (رومرو و روییز^۳، ۲۰۰۷؛ دولز و همکاران، ۲۰۱۰؛ پریفر و همکاران^۴، ۲۰۱۱ و نارجیسو^۵ و همکاران، ۲۰۱۲).

در مرحله نوجوانی فرد از خانواده به‌سوی جامعه کشیده می‌شود و روابط او با همسالان اهمیت زیادی پیدا می‌کند. همنشینی و همانندسازی با همسالان و الگوگیری از آن‌ها، صرف‌نظر از طبقه اجتماعی و اقتصادی، عاملی مهم در بروز رفتارهای پرخطر و نابهنجاری‌های رفتاری است. انجام نادرست وظایف والدینی از عواملی است که می‌تواند همنشینی با دوستان منحرف و مبادرت به رفتارهای مخاطره آمیز را در نوجوانان تسریع بخشد (باهر^۶ و همکاران، ۲۰۰۵). منظور از همنشینی با همسالان منحرف، ارتباط نوجوان با همسالانی است که رفتارهایی از قبیل مصرف سیگار، الکل و موادمخدر، رانندگی پرخطر، حمل سلاح سرد و گرم و شرکت در درگیری را مرتکب می‌شوند (رای^۷ و همکاران، ۲۰۰۳).

- 1- Han at.
- 2- Singer.
- 3- Romero. A. J; Ruiz.
- 4- Pfeifer.
- 5- Nargiso.
- 6- Bahr.
- 7- Rai.

- 8- Ziermman.
- 9- Torrente & Vazsonyi.
- 10- pascal
- 11- Asbridge.

پرسشنامه نظارت والدین^۴(PMS): نظارت والدینی با استفاده مقیاس نظارت والدینی سینگر و همکاران (۲۰۰۴) اندازه‌گیری شده است. سازندگان، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ را برای این پرسشنامه گزارش کردند. در این پژوهش، برای اطمینان از قابلیت استفاده از پرسشنامه پایایی بازآزمایی آن با فاصله دو هفته مورد استفاده قرار گرفت و ضریب پایایی بازآزمایی ۰/۷۵ به دست آمد. میزان اعتبار آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳ به دست آمد.

پرسشنامه همنشینی با همسالان بزهکار^۵(ADPS): این مقیاس توسط پاسکال و همکاران (۲۰۰۳) طراحی شده و سوالات آن درباره ارتباط نوجوانان با همسالانی است که رفتارهایی چون مصرف سیگار، الکل و مواد مخدر، رانندگی پرخطر، شرکت در درگیری و حمل سلاح را نشان می‌دهند. در این پژوهش پایایی بازآزمایی مقیاس با فاصله دو هفته ۰/۸۰ به دست آمد و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۸۳ محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده روش‌های آماری همبستگی، T مستقل و مدلسازی معادلات ساختاری از طریق نرم‌افزارهای SPSS ۱۸ و LISREL ۸/۵۰ به کار گرفته شد.

نتایج

نمونه مورد مطالعه شامل ۲۵۷ دختر و ۲۰۰ پسر نوجوان خانواده‌های نظامی بود. ۴۲ درصد از افراد گروه نمونه مورد مطالعه در پایه اول، ۲۳/۹ درصد در پایه دوم و ۳۴/۲ درصد در پایه سوم تحصیل می‌کردند. دامنه سنی آزمودنی‌ها ۱۴ تا ۱۷ سال بود و میانگین و انحراف معیار سن آن‌ها به ترتیب ۱۵/۰۴ و ۱/۰۶ به دست آمد. ۱/۸ درصد از آزمودنی‌ها به واسطه

اهمیت بیشتری برخوردار است. بنابراین باتوجه به مطالب مذکور این پژوهش درصدد است به بررسی نقش تعاملی نظارت والدینی و همنشینی با همسالان منحرف در تمایل به رانندگی پرخطر در نوجوانان خانواده‌های نظامی بپردازد.

روش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های همبستگی با استفاده از روش‌های مدلسازی معادلات ساختاری^۱ می‌باشد. در این پژوهش از نسل دوم الگویایی ساختاری یعنی روش کمترین مجزورات جزئی (PLS)^۲ استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش متشکل از کلیه نوجوانان دختر و پسر نظامی مقطع متوسطه شهر تهران بود که حداقل عضوی از خانواده آنان و معمولاً سرپرست خانواده، در نیروی نظامی مشغول به خدمت بودند و ۴۵۷ نفر از آنها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات لازم از پرسشنامه‌های رفتارهای پرخطر، مقیاس نظارت والدینی و مقیاس همنشینی با همسالان بزهکار استفاده شد.

مقیاس خطر پذیری نوجوانان ایرانی^۳(IARS): برای سنجش رفتار پرخطر مصرف سیگار از مقیاس خطر پذیری نوجوانان ایرانی، زاده محمدی و همکاران (۱۳۹۰) استفاده شد. این مقیاس برای سنجش آسیب پذیری در مقابل رفتارهای پرخطری همچون خشونت، مصرف سیگار، مصرف مواد مخدر، مصرف الکل، رانندگی پرخطر و رابطه جنسی به کار گرفته می‌شود. میزان اعتبار IARS با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس کلی ۰/۹۳ و برای خرده مقیاس رانندگی ۰/۷۴ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۴ و برای خرده مقیاس رانندگی ۰/۸۱ به دست آمد.

4- Parental Monitoring scale.
5- Affiliation whit Delinquent Peers.

1- Structural Equation Modeling.
2- Partial Least Squares.
3- Iranian Adolescents Risk-taking Scale.

پژوهش در جدول ۱ آمده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که پسران و دختران تفاوت معنی‌داری را از نظر نظارت والدینی (به نفع دختران) و همنشینی با همسالان منحرف (به نفع پسران) نشان دادند اما در رانندگی پرخطر این تفاوت معنی‌دار مشاهده نشد.

طلاق جدا از پدر یا مادر خود زندگی می‌کردند و ۱/۵ درصد نیز یکی از والدین خود را از دست داده بودند. ۲۳/۴ درصد آزمودنی‌ها خطرپذیری بالایی را در زمینه رفتار رانندگی پرخطر نشان دادند. نتایج مقایسه دو گروه دختران و پسران از نظر متغیرهای

جدول ۱- نتایج آزمون t برای گروه‌های مستقل در دو گروه پسران و دختران

سطح معناداری	درجه آزادی	T	دختران		پسران		متغیر
			انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۶۴	۴۳۷	۱/۸۵۸	۴/۷۹	۱۹/۴۰	۵/۰۱	۱۸/۵۲	رانندگی پرخطر
۰/۰۰۱	۴۲۳/۰۸	۱۱/۱۳۷	۳/۰۷	۲۲/۱۷	۲/۸۰	۱۹/۷۹	نظارت والدین
۰/۰۰۱	۳۸۶/۳۰	-۱۲/۷۲	۳/۴۶	۱۰/۵۷	۳/۷۲	۱۳/۱۹	همنشینی با همسالان منحرف

رانندگی پرخطر و همنشینی با همسالان منحرف رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، در حالی که رابطه این دو متغیر با نظارت والدین منفی است.

جدول ۲ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش و همبستگی آن‌ها با یکدیگر را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود بین متغیرهای

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش و همبستگی آن‌ها با یکدیگر

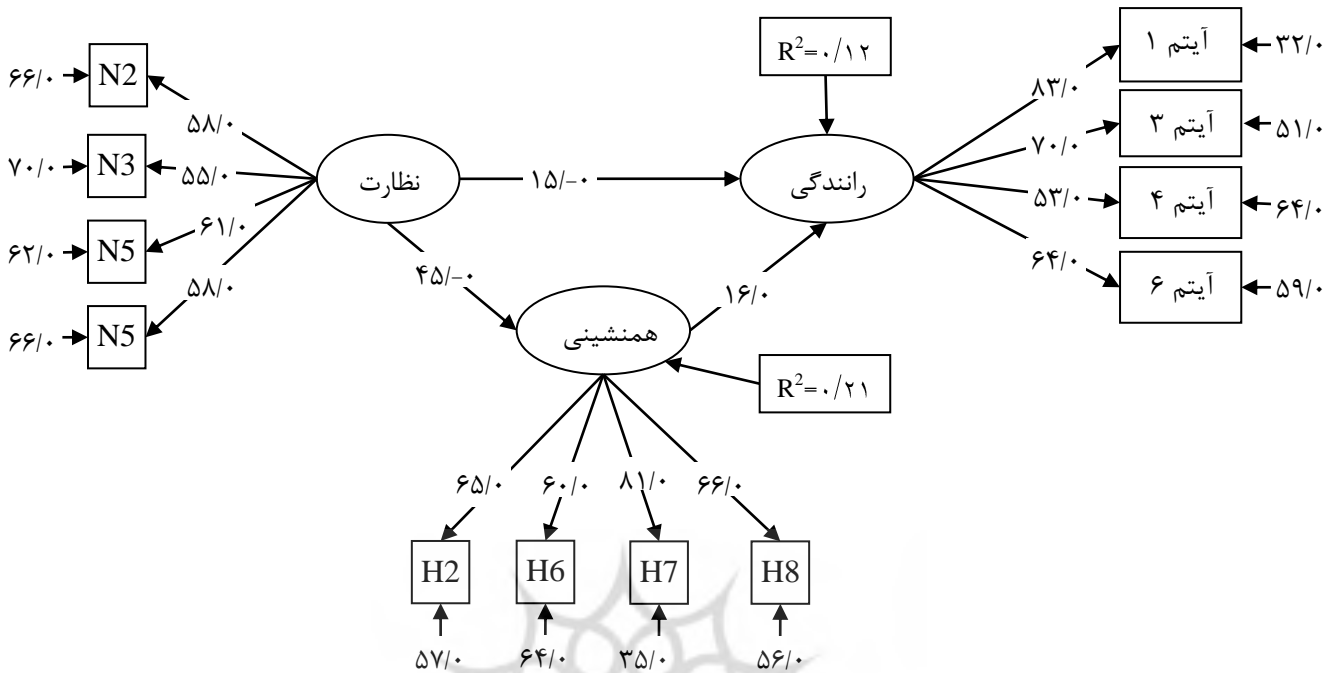
همبستگی			میانگین \pm انحراف معیار	متغیر
۳	۲	۱		
		۱	۱۰/۹۵ \pm ۳/۵۱	رانندگی پرخطر
	۱	-۰/۲۱۹*	۱۷/۴۹ \pm ۳/۳۹	نظارت والدین
۱	-۰/۲۱۱*	۰/۳۴۶*	۱۱/۱۴ \pm ۲/۱۹	همنشینی با همسالان منحرف

(* $P < ۰/۰۰۱$)

مدل حاضر با استفاده از روش حداکثر درست‌نمایی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به ضریب خطای به دست آمده ($1-R^2 = ۰/۸۸$) این الگو ۱۲ درصد از واریانس تمایل به رانندگی پرخطر را تبیین می‌کند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود نظارت والدین از طریق همنشینی با همسالان دارای تاثیر معنی‌دار بر رانندگی پرخطر می‌باشد. میزان اثر مستقیم و غیر مستقیم نظارت والدین بر رانندگی پرخطر به ترتیب ۰/۱۵- و ۰/۲۱- به دست آمد. همچنین تاثیر همنشینی با همسالان بر رانندگی پرخطر ۰/۱۶ محاسبه شد.

برای بررسی مدل ساختاری رابطه بین سازه‌های پژوهش در سطح متغیرهای مکنون^۱، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. شکل ۱، نتایج حاصل از مدل‌سازی معادلات ساختاری برای بررسی روابط بین سازه‌های پژوهش را نشان می‌دهد. در این مدل نظارت والدینی به عنوان متغیر برونزاد، همنشینی به عنوان متغیر وابسته میانی و تمایل به رانندگی پرخطر به عنوان متغیر وابسته نهایی یا درونزاد در نظر گرفته شدند. پس از تنظیم معادلات ساختاری،

1- Latent variables.



نمودار ۱- مدل مورد بررسی برای نقش واسطه‌ای همنشینی با همسالان در رابطه بین نظارت والدین و رانندگی

نشان‌دهنده نکویی برازش الگوی یاد شده است. سایر شاخص‌های برازش مدل مورد بررسی در جدول ۳ آمده است که مقادیر مشاهده شده حاکی از برازش مطلوب مدل در این پژوهش است.

پس از تایید نقش واسطه‌گری همنشینی با همسالان، برازندگی الگو به کمک آزمون آماری مجذور خی و شاخص AGFI (شاخص نکویی برازش تعدیل شده) بررسی شد. مقدار AGFI برابر با ۰/۹۸ بود و عدم معنی‌داری نمره مجذور خی به‌دست آمده

جدول ۳- شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری نقش واسطه‌ای همنشینی با همسالان در رابطه بین نظارت والدین و رانندگی

χ^2 , df=۴۴	χ^2/df	RMSEA ^۱	NFI ^۲	NNFI ^۳	CFI ^۴	RMR ^۵	RMR ^۳ معیار شده	GFI ^۶	AGFI ^۱
۹۲ (P=۰/۰۶)	۲/۰۹	۰/۰۲۹	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۰۲۸	۰/۰۲۸	۰/۹۹	۰/۹۸

- 1- Adjusted Goodness of Fit Index.
- 2- Goodness of Fit Index.
- 3- Standardized RMR.
- 4- Root Mean Square Residual.
- 5- Comparative Fit Index.
- 6- Non-Normed Fit Index.
- 7- Normed Fit Index.
- 8- Root Mean Square Error of Approximation.

از نکات قابل توجه در پژوهش حاضر عدم تفاوت جنسیتی در رفتار رانندگی پرخطر بین آزمودنی‌ها بود. دلیل قابل توجه برای یافته حاضر از یک طرف این نکته است که شواهد پژوهشی، میانه و اواخر دوره نوجوانی را بحرانی‌ترین سال‌ها برای سازگاری با این قبیل رفتارهای پرخطر نشان می‌دهند و گرایش به رفتار رانندگی پرخطر با عامل سن ارتباط بالایی دارد. با رسیدن به اواخر دوره نوجوانی، احتمال این گرایش افزایش می‌یابد (مایکل و بن‌زور، ۲۰۰۷ و کورلسی^۶ و همکاران، ۲۰۰۷). از طرف دیگر همسو با پژوهش‌های بک^۷ و همکاران (۲۰۰۳) و ویلیان و همکاران (۲۰۱۱) می‌توان اشاره داشت که این عدم تفاوت به نگرش مثبت دختران نسبت به خطر کمتر این رفتار، وجود بیشتر والدین و همسالانی که مبادرت به این رفتار می‌کنند و سهولت دسترسی ربط پیدا می‌کند. دختران ممکن است این رفتار را در مقایسه با رفتارهای پرخطر دیگری مانند مصرف مواد، حمل اسلحه، درگیری فیزیکی و رابطه جنسی، مخاطره آمیز ادراک نکنند.

مدل پژوهش حاضر با استفاده از روش حداکثر درست‌نمایی در رابطه با نقش نظارت والدینی و همنشینی با همسالان منحرف نشان داد که این مدل ۱۲ درصد از واریانس خطرپذیری رانندگی پرخطر در نوجوانان را، تبیین می‌کند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود نظارت والدین از طریق همنشینی با همسالان بر رانندگی دارای تاثیر معنادار است و میزان اثر مستقیم نظارت والدین بر رانندگی پرخطر ۰/۱۵- و بر همنشینی با همسالان منحرف ۰/۴۵- و اثر غیر مستقیم آن ۰/۲۱- به دست آمد. همچنین تاثیر همنشینی با همسالان بر رانندگی پرخطر ۰/۱۶ محاسبه شد.

شرایبر^۱ و همکاران (۲۰۰۶)، عنوان می‌کنند در صورتی مدل، برازش کافی و مطلوب دارد که شاخصهای NFI، NNFI، CFI، GFI و AGFI بزرگتر از ۰/۹۵ باشند، RMR به صفر نزدیک و SRMR کوچکتر از ۰/۰۸ باشد و RMSEA نیز کوچکتر از ۰/۰۶ باشد. بنابراین، با توجه به این شاخص‌ها نیز، می‌توان نتیجه گرفت که مدل حاضر دارای برازش مطلوب با داده‌های این پژوهش است و با اطمینان بالایی می‌توان این مدل را پذیرفت.

بحث و نتیجه‌گیری

خطرپذیری از ویژگی‌های رشدی افراد در سنین نوجوانی است. در این دوره، نوجوان به دلیل خود محور بودن، ممکن است برداشت درست و کاملی از عواقب مخاطره‌آمیز نداشته و بیشتر به کشف موقعیت‌های پرخطر تمایل داشته باشد (کلوئپ^۲ و همکاران، ۲۰۰۹). با ضعیف شدن نظارت والدینی و گسترش روابط با گروه‌های مختلف همسالان، تمایل به خطرپذیری و انجام رفتارهای خشونت بار در نوجوان افزایش می‌یابد (فروژد^۳ و همکاران، ۲۰۰۶؛ کلیور^۴ و همکاران، ۲۰۰۶).

نتایج مقایسه دو گروه دختران و پسران از نظر متغیرهای پژوهش نشان داد که دختران از سطح نظارت والدینی بیشتر در مقایسه با پسران برخوردارند و همنشینی کمتری را با همسالان منحرف در مقایسه با آنها تجربه می‌کنند. این یافته با نتایج پژوهش‌های نارجیسو و همکاران (۲۰۱۲)، فالو و همکاران (۲۰۱۰)، ملچیور^۵ و همکاران (۲۰۰۸)، انگلز و همکاران (۲۰۰۶) همکاران (۲۰۰۶) و دولز و همکاران (۲۰۱۰) همسو است.

- 1- Schreiber.
- 2- Kloep.
- 3- Frojd.
- 4- Kliewer.
- 5- Melchior.

6- Kyrlesi.
7- Beck.

می‌ورزند، می‌تواند تا مقداری پیش بینی کننده این رفتار در نوجوانان باشد (آسبریدگ، ۲۰۰۶ و موس و همکاران، ۲۰۰۳).

پیشنهادها

برای ایجاد الگوی صحیح رانندگی ارائه الگوهای صحیح، فرهنگ سازی و آموزش‌های کاربردی به نوجوانان، زمینه را برای کاهش آسیب‌های نشات گرفته از این حوادث فراهم می‌سازد. عدم حضور مستمر در کنار خانواده و فرصت کمتر برای ارتباط پیوسته و انجام مسئولیت نظارت همیشگی بر فرزندان از ویژگی‌های مشاغل نظامی است. معمولاً در خانواده‌هایی که پدران حضور مستمر ندارند، مادران به تنهایی در نظارت بر رفتار نوجوانان خود به ویژه پسران، کارایی لازم را نشان نمی‌دهند بنابراین مشارکت بیشتر پدران، در مسئولیت نظارتی بر فرزندان نوجوان خود، در اولویت است. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود توجه بیشتری به نقش مستقیم و غیر مستقیم نظارت والدینی در کاهش همنشینی با همسالان منحرف، با توجه به آسیب‌های گسترده فردی و اجتماعی این روابط، از سوی تصمیم گیران و مسئولان برنامه‌های پیشگیرانه نیروهای مسلح لحاظ شود. پژوهش حاضر نیز به نوبه خود با محدودیت‌هایی روبه روست که از آن جمله می‌توان به محدودیت در تعمیم نتایج، عدم بررسی و کنترل تمام متغیرهایی که با رانندگی پرخطر در ارتباط است و خودگزارشی بودن ابزار مورد استفاده در پژوهش اشاره داشت.

تشکر و قدردانی

این پژوهش با حمایت مالی مرکز علوم رفتاری دانشگاه علوم پزشکی بقیه ا... (عج) صورت پذیرفته است. مولفان صمیمانه از تمامی مسئولین این مرکز قدردانی می‌نمایند.

بر این اساس نظارت بالای والدینی با میزان پایین همنشینی با همسالان منحرف در ارتباط است و این دو عامل پایین بودن احتمال بروز تمایل به رانندگی پرخطر را از سوی نوجوان، تعیین می‌کند. بدین ترتیب بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، مدل نظری ارائه شده توسط فرگوسن و هاروود^۱ (۱۹۹۹) و پاسکال و همکاران (۲۰۰۳) تایید می‌گردد. این دو مدل نظری تاکید دارند که همنشینی با همسالان، نقش نظارت والدینی بر رفتارهای نامطلوب نوجوانان را تعدیل می‌کند. بنابراین همسو با یافته‌های مطالعات پیشین می‌توان نتیجه گرفت که نظارت والدین می‌تواند اثرات خود را از طریق همنشینی با همسالان بر بروز رفتار پرخطر اعمال کند (رای و همکاران، ۲۰۰۳ و ایتان و همکاران، ۲۰۰۹).

با توجه به نظریه یادگیری اجتماعی بندورا^۲ (۱۹۸۶) الگوهای نقش، از جمله والدین، همسالان و دوستان نزدیک در گرایش نوجوان به سمت رفتارهای پرخطر از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. چنانچه نوجوان از والدینی برخوردار باشد که به رفتارهای آسیب زایی همچون مصرف سیگار، مواد، مشروبات، رانندگی پرخطر و خشونت و درگیری اقدام می‌کنند و یا به گروه همسالانی بپیوندند که این دست رفتارها در بین آن‌ها به چشم می‌خورد، احتمال بیشتری وجود دارد که نوجوان نیز به سمت این رفتارها گرایش پیدا کند (کالدول^۳ و همکاران، ۲۰۰۶). نوجوانانی که از نظارت والدینی کمتری برخوردارند، تمایل بیشتری برای همنشینی با همسالان منحرف و انجام انواع رفتارهای پرخطر دارند. ماهیت و کیفیت ارتباط با همسالان منحرف به عنوان شاخص تعیین کننده الگوهای رفتاری منحرف اجتماعی محسوب می‌شود؛ در نتیجه همنشینی با همسالان منحرفی که به رانندگی پرخطر علاقمندند و به انجام آن مبادرت

1- Fergusson & Harwood.

2- Bandura.

3- Caldwell.

- 14- Boyer T.(2006).The development of risk-taking: A multi perspective review. *Dev Rev.*; 26(3):291-345.
- 15- Caldwell RM, Beutler LE, Ross SA, Silver NC.(2006). Brief report: An examination of the relationships between parental monitoring, self-esteem and delinquency among Mexican American male adolescents. *Journal of Adolescence*. 29: 459-464.
- 16- Choi S, Ryan J.(2007). Co- occurring problems for substance abusing mothers in child welfare: Matching services to improve family reunification. *Children and Youth Services Review*;29, 1393-1410.
- 17- DiClemente RJ, Wingood G M, Crosby R, Sionean C, Cobb B K, Harington K, Davies S, Hook E W, Oh M K. (2001). *Parental monitoring: Association with adolescents' risk behaviors. Pediatrics*;107(6): 1363-1368.
- 18- Dols ST, Alvarez F J, Alexandre NL, Vidal-Infer A, Torrijo Rodrigo M J, Valderrama-Zurián, JC.(2010). Predictors of driving after alcohol and drug use among adolescents in Valencia (Spain). *Journal of Accident Analysis and Prevention*. 42: 2024-2029.
- 19- Eaton NR, Krueger RF, Johnson W, McGue M, Lacono, WG.(2009). Parental monitoring, personality, and delinquency: Further support for a reconceptualization of monitoring. *Journal of Research in Personality*, 43, 49-59.
- 20- Engels RC, Scholte HJ, Lieshout CF, Kemp RD, Overbeek G.(2006). Peer group reputation and smoking and alcohol consumption in early adolescence, *Addictive Behaviors*31, 440-449.
- 21- Fallu JS, Janosz M, Briere FN, Descheneaux A, Vitaro F, Tremblay R E.(2010). Preventing disruptive boys from becoming heavy substance users during adolescence: A longitudinal study of familial and peer-related protective factors, *Addictive Behaviors*, 35(3):1074-1082.
- 22- Fergusson DM, Woodward LJ & Horwood, LJ.(1999). Childhood peer relationship problems and young people's involvement with deviant peers in adolescence. *J. Abnorm Child Psychology*. 27, 357, 369.
- 23- Frojd. S; Kaltiala-Heino. R & Rimpela. M. (2006). The association of parental monitoring and family structure with diverse maladjustment outcomes in middle adolescent boys and girls. *Nordic Journal of Psychiatry*; 61:296-303.
- 24- Han Y, Grogan-Kaylor A, Bares C, Ma J, Castillo M, Delva J.(2012).Relationship between discordance in parental monitoring and

منابع

- ۱- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۴). *روانشناسی نوجوانان*. چاپ نهم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲- زاده محمدی علی، احمدآبادی زهره، پناغی لیلی و حیدری محمود(۱۳۹۰). ساخت و هنجاریابی مقیاس خطرپذیری جوانان. *مجله روانشناسی* ۱۵(۲):۱۴۶-۱۲۹.
- ۳- سوری، احمد(۱۳۸۷). روانشناسی ترافیک، همایش مشهد، ترافیک، آینده، مشهد: ناجا.
- ۴- شارع پور، محمود. و دادهیر، ابوعلی و قربان زاده، سکینه(۱۳۸۹). تحلیل جنسیتی تصادف با تاکید بر مفهوم سبک زندگی سالم، زن در توسعه و سیاست، ۸(۲): ۶۹-۹۲.
- ۵- شاکری نیا، ایرج و محمدپور، مهری(۱۳۸۸). رابطه ویژگی‌های شخصیتی، سلامت روان و پرخاشگری با عادات رانندگی در رانندگان پرخطر، فصلنامه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ۱۸(۳):۲۲۵-۲۳۳.
- ۶- عریضی، حمیدرضا و حقایق، سیدعباس(۱۳۸۸). ویژگی‌های روان سنجی پرسشنامه رفتار رانندگی منچستر، فصلنامه پایش، ۸(۴):۲۱۰-۲۸.
- ۷- مهماندار، محمدرضا(۱۳۸۸). درآمدی بر تصادفات و قوانین. تهران: نشر دفتر تحقیقات کاربردی پلیس راهور.
- 8- Alvarez F J, Fierro I & Del Río MC.(2007). Cannabis and driving: results from a general population survey. *Forensic Science International* 170, 111-116.
- 9- Asbridge M.(2006). Drugs and driving: when science and policy don't mix. *Canadian Journal of Public Health* 97, 283-285.
- 10- Bahr SJ, Hoffmann JP, Xiaoyan Y.(2005). Parental and peer influences on the risk of adolescent drug use, *Journal of Primary Prevention*, 26, 529-551.
- 11- Bandura A. (1986). Social foundations of thought and action: a social cognitive theory. New Jersey, Prentice-Hall, Englewood Cliffs.
- 12- Beck F, Legleye S, Spilka S.(2003). Cannabis, alcohol, tabac et autres drogues à la fin de l'adolescence: usages et évolutions récentes ESCAPAD 3; 1-4.
- 13- Bener A, Haigney D, Crundal D.(2004). Driving behavior stress error and violations on the road: a cross cultural comparison study. International Conference on Traffic and Transport Psychology; UK: Nottingham.

- 35- Pfeifer JH, Masten CL, Moore WE, Oswald TM, Mazziotta JC, Iacoboni M, Dapretto M. (2011). Entering Adolescence: Resistance to Peer Influence, Risky Behavior, and Neural Changes in Emotion Reactivity. *Neuron*. 69, 1029-1036.
- 36- Rai AA, Stanton B, Wu Y, Li X, Galbraith J, Cottreel L, Pack R, Harris C, Dalessandrell D, Burnes J. (2003). Relative Influences of Perceived Parental Monitoring and Perceived Peer Involvement on Adolescent Risk Behaviors: An Analysis of Six Cross-sectional Data Sets. *JOURNAL OF ADOLESCENT HEALTH*, 33:108-118.
- 37- Romero. A. J; Ruiz. M. (2007). Does Familism Lead to Increased Parental Monitoring?: Protective factors for Coping with Risky Behaviors. *Journal of Child and Family Studies*. 16: 143-154.
- 38- Schreiber JB, Stage FK, King J, Nora A, Barlow, EA. (2006). Reporting Structural Equation Modeling and Confirmatory Factor Analysis Results: A Review. *The Journal of Educational Research*.; 99 (6), 323-337.
- 39- Singer M I, Flannery D J, Guo S; Miller D, Leibbrandt, S. (2004). Exposure to violence, parental monitoring, and television viewing as contributors to children's psychological trauma. *Journal of Community Psychology*; 32: 489-504.
- 40- Torrente G & Vazsonyi AT. (2008). The salience of the family in antisocial and delinquent behaviors among Spanish adolescents. *Journal of Genetic Psychology*; 169: 187-197.
- 41- Zimmermann G. (2006). Delinquency in male adolescents: The role of Alexithymia and family structure. *Journal of Adolescence*; 29: 321-332.
- behavioral problems among Chilean adolescents. *Children and Youth Services Review*. 34:783-789.
- 25- Jonah B A. (2001). Sensation seeking, risky driving and behavioral adaptation. *Accident, Analysis and Prevention*. 33: 676-684.
- 26- Kliwer W, Murrelle L, Prom E & Ramirez. M. (2006). Violence exposure and drug use in central american youth: family cohesion and parental monitoring as protective factors. *Journal of Research on Adolescence*; 16: 455-478.
- 27- Kloep M; Guney M, Cok F, Simsek O. (2009). Motives for risk-taking in adolescence: A cross-cultural study. *Journal of Adolescence*; 32(1):51-135.
- 28- Kristjansson A, James J, Allegrante J, Sigfusdottir ID, Helgason, AR. (2010). Adolescent substance use, parental monitoring, and leisure-time activities: 12-year outcomes of primary prevention in Iceland. *Preventive Medicine*; 51, 168-171.
- 29- Kyrlesi A, Soteriades E, Warren W, Kremastinou J. Papastergiou P, et al. (2007). Tobacco use among students aged 13-15 years in Greece: the GYTS project. *BMC Public Health*; 7(3):19-26.
- 30- Melehior M, Chastang J-F, Goldberg P, Fombonne E. (2008). High prevalence rates of tobacco, alcohol and drug use in adolescents and young adults in France: Results from the GAZEL Youth study. *Addictive Behaviors*. 33, 122-133.
- 31- Michael K, Ben-Zur H. (2007). Risk-taking among adolescents: Associations with social and affective factors. *Journal of Adolescence*. 30(1):17-31.
- 32- Moss, H B, Hardie, L & Lync, KG (2003). Affiliation with deviant peers among children of substance dependent fathers from pre-adolescence into adolescence: associations with problem behaviors. *Drug and Alcohol Dependence* 71:117-125.
- 33- Murray C, Lapez A. (1997). Alternative projections of mortality and disability by cause 1990-2020, *global burden of disease study*. *Loncet*; 349(9064): 1498-504.
- 34- Nargiso JE, Becker B, Wolff JC, Uhl KM, Simon V, Spirito, A & Prinstein, M. (2012). Psychological, peer, and family influences on smoking among an adolescent psychiatric sample, *Journal of Substance Abuse Treatment*.; 42, 310-318.